

WWW.TIZLAND.IR



مرجعی برای همه دانش آموزان باهوش سرزمینمان، ایران



تابستون



شماره دهم
شهریور ماه

۱ موانع پرورش خلاقیت کودکان در خانه
۴ انواع راه های پرورش خلاقیت در کودکان
۹ کدام نوع ارزشیابی یادگیری بیشتری را در بر دارد؟





نشریه داخلی سرزمین تیزهوش ها (انتشار الکترونیک)

تیزلند | www.tizland.ir | ۰۲۱۸۸۹۹۶۳۱۶

مدیر مسئول

عادل طالبی | adeltalebi@tizland.ir

مدیر اجرایی

شیرین محمدی | mohamadi@tizland.ir

نویسنده

اعظم پیکانی

طراحان اینفوگرافیک

راضیه شاهیان | یاسمن مرادی

صفحه آرا

محمدامین خانی

تاریخ انتشار

شهریور ماه ۹۷ | شماره دهم

فهرست محتوا (با کلیک روی هر عنوان به صفحه آن هدایت می شوید!)

موانع پرورش خلاقیت کودکان در خانه	۱
انواع راه های پرورش خلاقیت در کودکان	۴
کدام نوع ارزشیابی یادگیری بیشتری را در بر دارد؟	۹



مقاله شماره ۱
را در سایت تیزلند ببینید!
اسکن کنید یا اینجا کلیک کنید!

موانع پرورش خلاقیت کودکان در خانه

خلاقیت، توانایی قابل پرورش هست. اما گاهی خانواده‌ها ناخواسته موانعی در مسیر پرورش این توانایی ایجاد می‌کنند.



خود اختیاری نداشته باشد. عادت کردن کودک به کارهای تکراری و نداشتن اختیار و استقلال، خلاقیت کودکان را تحت شعاع قرار می‌دهد.

نقد و ارزیابی مداوم کودک

بعضی والدین فرصت اشتباه کردن را به کودکان خود نمی‌دهند و احساس می‌کنند که کودک باید همانند خودشان کارها را صحیح و باظرافت انجام دهد، براین اساس به‌طور مداوم کودک خود را موردنقد قرار می‌دهند. این کار سبب می‌گردد که آزادی و امنیت خاطر کودک از بین برود و یک ترس مرضی در او شکل بگیرد، این ترس مرضی باعث می‌شود که کودک از انجام کارهای مبتکرانه و ابراز ایده‌های جدید هراس داشته باشد.

همه کودکان توانایی و استعداد خلاقیت را دارند، لیکن در سطح کلی محیط یادگیری، یاد می‌گیرند که غیر خلاق باشند. موانع بسیاری سبب می‌شوند که کودکان ما در محیط خانه و مدرسه دچار محدودیت تفکر گردند و نتوانند خلاقیت خود را بروز دهند. شناسایی این موانع ما را یاری می‌کند تا بتوانیم با آگاهی، آن‌ها را برطرف ساخته و مسیر خلاقیت کودکان خود را هموارسازیم. در ادامه به برخی از این موانع موجود در خانه اشاره می‌شود.

حاکمیت قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیر

برخی والدین کودکان خود را محدود کرده و برای تمامی امور آن‌ها اعم؛ از درس خواندن، غذا خوردن، تفریح، استراحت و ... برنامه‌ریزی می‌کنند و کودکان خود را محدود به این برنامه می‌سازند. این امر سبب می‌شود که کودک به انجام دادن کارهای تکراری عادت کند و از

تحمیل نقش‌های کاذب بزرگ‌سالی

برخی والدین تمایل دارند که فرزندشان درک بالاتری از سن خود داشته باشد و این خواسته را به‌طور نابجا تحمیل می‌کنند. آن‌ها از کودک می‌خواهند که مانند بزرگ‌ترها رفتار کند و حرکات کودکانه و شیطنت‌ها را کنار بگذارد، در صورتی‌که این حرکات و شیطنت‌ها فرصت خلاقیت را به کودک می‌دهد. کودک از طریق شیطنت و بازی است که می‌تواند به حل مسئله و خلاقیت برسد. تحمیل نقش بزرگ‌سالی به کودک رفتارهای ساختگی را در او ایجاد می‌کند و استعدادهای خلاقانه او را ریشه‌کن می‌سازد.

اولویت افراطی به هوش و حافظه

بسیاری از والدین احساس می‌کنند که چنانچه فرزندشان به‌خوبی بتواند اطلاعات درسی خود را یاد بگیرد و نمرات بالایی بگیرد، پس بسیار موفق است، از این‌رو بر روی هوش و حافظه کودک خود تأکید بسیاری دارند و پی‌درپی او را به کلاس‌های کمک‌آموزشی می‌فرستند، این امر سبب می‌شود که تنها هوش و حافظه پایه قرار بگیرد و با پایه قرار دادن هوش، فرصتی برای پرورش سایر استعدادهای کودک که مهم‌ترین آن‌ها تفکر خلاق است، فراهم نشود.

بها دادن به نقش جنسیت

در گذشته باور بر این بود که پسران از هوش و قابلیت‌های بالاتری نسبت به دختران برخوردارند. لیکن نتایج تحقیقات اثبات کرده که زنان قابلیت‌های بسیاری دارند و در عرصه صنعت توانسته‌اند به‌جایگاه‌های رفیع برسند. باوجود تمامی این موارد، هم‌اکنون نیز

برخی والدین به کودکان پسر اهمیت بسیاری می‌دهند و در مشارکت‌های جمعی تنها از آن‌ها نظر می‌خواهند. این نوع برخورد، تحقیر و کم‌رنگ شدن تفکر خلاق را در دختران به دنبال دارد.

نادیده گرفتن قوه تخیل کودک

خلاقیت کودکان از قوه تخیل آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، اما اغلب اولیا فرزندانشان خود را از خیال‌پردازی منع می‌کنند و گاهی افکار آن‌ها را مورد تمسخر نیز قرار می‌دهند. زمانی که کودک نتواند خیال‌پردازی کند یا از ترس والدین و اطرافیان افکار خود را عنوان کند، در سنین بالاتر هم نمی‌تواند خلاق شود.

منع کردن یا بی‌توجهی به شوخ‌طبعی کودک یکی از خصوصیات افراد خلاق، شوخ‌طبعی آن‌هاست. آن‌ها می‌توانند فی‌البداهه در مورد موضوعات مختلف شوخی کنند. لیکن در برخی خانواده‌ها جدیت بیش‌ازاندازه، این امکان را به کودک نمی‌دهد تا شوخی کند. شوخی نکردن، خشکی و عدم انعطاف را در کودک ایجاد می‌کند.

پراکنده ساختن ذهن کودک

بسیاری از والدین به‌غلط تصور می‌کنند که اگر کودکان خود را در یک‌زمان واحد به کلاس‌های متنوع بفرستند و به فعالیت‌های مختلف وادارند، خلاقیت آن‌ها را پرورش داده‌اند. لیکن این کار آن‌ها سبب می‌شود ذهن کودک از این شاخه به آن شاخه بپرد و نتواند روی یک کار تمرکز کافی داشته باشد. عدم تمرکز یکی از موانع اساسی خلاقیت به شمار می‌آید.

معرفی مدارس شهرستان‌ها

در بانک اطلاعات مدارس سرزمین تیزهوش‌ها

مسئولین محترم مدارس، در صورت تمایل به معرفی مدارس (به صورت رایگان و بدون پرداخت هیچ‌گونه هزینه‌ای) در دیتابیس منحصر به فرد سرزمین تیزهوش‌ها با بازدید روزانه تا بیش از ۵۰۰۰۰ نفر، فرم زیر را تکمیل کنید.

در صورت وجود هرگونه سوال، ابهام و پیشنهاد در ساعات اداری با شماره ۰۲۱۶۳۹۹۸۸۸ داخلی ۵۲۰ تماس بگیرید.

با تکمیل اطلاعات خود بهتر دیده شوید



آگهی استخدام

به یک مترجم نیازمندیم

ارسال رزومه:

info@tizland.ir



مقاله شماره ۲
را در سایت تیزلند ببینید!
اسکن کنید یا اینجا کلیک کنید!

انواع راه های پرورش خلاقیت در کودکان

**خلاقیت توانایی قابل اکتساب هست
و هر فرد می‌تواند آن را در وجود خود
کشف کرده و پرورش دهد.**



انواع راه های پرورش خلاقیت در کودکان

خلاقیت چیست؟

خلاقیت زمانی بروز می‌کند که فرد با یک مسئله و مشکل روبه‌رو می‌شود، در آنجاست که او باید با استفاده از دانسته‌ها و تجربیات خود، راه‌حل یا راه‌حلهایی را ارائه دهد تا بتواند آن مشکل را حل کند. پس می‌توان گفت که خلاقیت عبارت است از توانایی تولید راه‌حل‌های جدید، مناسب و متنوع برای حل مسائل و مشکلات. حال ما چگونه قادر می‌شویم که این توانایی را شکوفا سازیم. در ادامه به عوامل مؤثر در بروز خلاقیت اشاره می‌شود.

در گذشته تصور می‌شد که خلاقیت توانایی منحصر به فردی هست و همانند هوش بالا، تنها تعدادی از آن برخوردار هستند، در طی گذر زمان دانشمندان و محققان روانشناسی این سؤال را مطرح کردند که آیا اساساً خلاقیت درونی و ذاتی است یا بیرونی و اکتسابی و با بررسی توانایی‌های افراد خلاق، به این نتیجه رسیدند که خلاقیت قابل اکتساب و آموزش هست. در وجود تمامی انسان‌ها، قابلیت‌های خلاقانه به ودیعه گذاشته شده است، برخی از افراد این قابلیت‌ها را در بستر زندگی شکوفا می‌سازند و برخی دیگر توانایی شناخت و پروراندن آن را ندارند. حال این سؤال پیش می‌آید که خلاقیت چیست و ما چگونه می‌توانیم آن را پرورش دهیم؟

عوامل مؤثر در بروز و

پرورش خلاقیت

❶ یکی از عوامل مهمی که سبب می‌شود، افراد در مسیر خلاقیت گام بردارند، هدفمندی است. زمانی که ما برای خود هدفی در نظر بگیریم، راه برای خود مشخص می‌کنیم و از پراکندگی ذهنی به تمرکز می‌رسیم.

❷ پرسش کردن، یکی از اصول مهمی است که می‌تواند زمینه‌ساز خلاقیت باشد، لیکن در بروز خلاقیت نمی‌توان هر پرسشی را به‌عنوان پرسش خلاقانه در نظر گرفت. پرسش‌هایی که تبیین و دلیل به همراه دارند، در شکل‌گیری خلاقیت مؤثر می‌باشند. این پرسش‌ها با کلماتی مانند چرا، چگونه و... آغاز می‌شوند

❸ هر فرد در رابطه با مطالعه‌ای که دارد یا کاری که انجام می‌دهد، کم‌کم در ذهن خود، به یک ایده می‌رسد. بهتر است که



ما برای ثبت ایده‌های خود، دفترچه یادداشتی را همیشه همراه خود داشته باشیم و ایده‌هایمان را در آن بنویسم. مرور این ایده‌ها، به پرورش خلاقیت کمک بسیاری می‌کند.

۴ برای پرورش خلاقیت

می‌توانیم گروه‌های کاری و علمی تشکیل داده و بامطالعه و آگاهی قبلی وارد بحث در گروه بشویم. از ابراز نظر نهراسیم و نظرات مخالف را نقض نکنیم. شرکت در بحث‌های گروهی، سبب می‌شود که یک مفهوم از منظر افراد مختلف بررسی‌شده و این بررسی فرصت ایده را فراهم می‌آورد.

۵ ذهن هر انسانی در

ساعاتی از شبانه‌روز، بهتر می‌تواند به فعالیت خلاقانه بپردازد، پس بهتر است که با برنامه‌ریزی مناسب این زمان را به تفکر و مرور یافته‌های خود اختصاص دهیم.

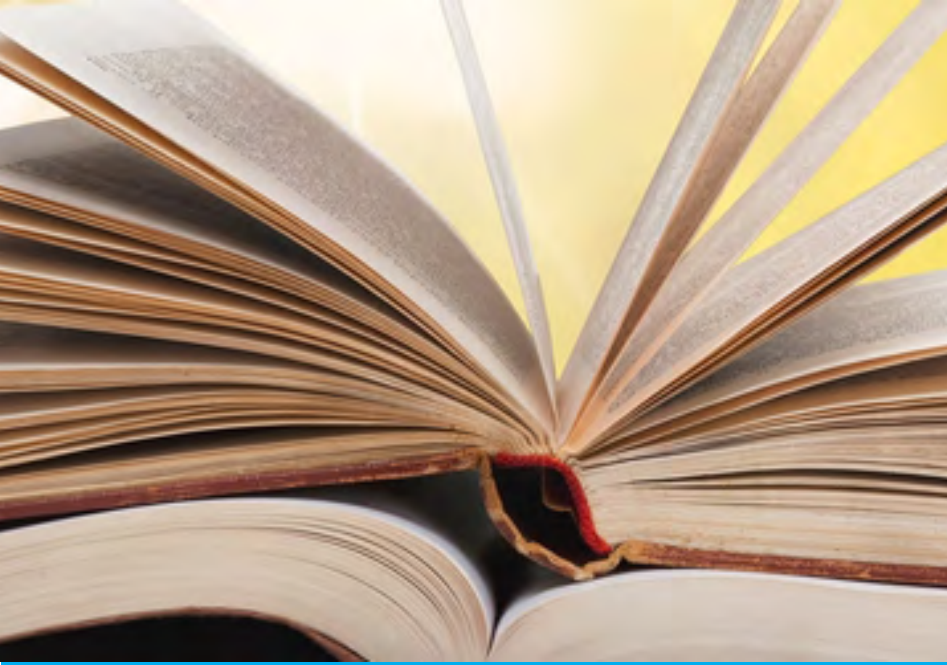




۶ علاوه بر زمان، در بروز خلاقیت مکان نیز تأثیرگذار است. هر انسانی با توجه به شناختی که از خود دارد، می‌داند که در چه مکان‌هایی آزمایش بیشتری دارد. برخی انسان‌ها در طبیعت این آزمایش را تجربه می‌کنند، برخی در فضاهای خلوت و... ما با توجه به شناختی که از خود داریم، می‌توانیم مکان مناسب خود را یافته و با خاطر آسوده به پیش رویم..



۷ از کمیت به کیفیت برسیم. برای شروع یک فعالیت خلاقانه، بهتر است که تمام افکاری را که در مورد یک موضوع به ذهنمان می‌رسد را روی کاغذ بیاوریم و رفته‌رفته در طی آگاهی بیشتر از موضوع می‌توانیم از تعداد این افکار بکاهیم و فکری که بهتر است را پیورانیم.



۸ مطالعه پروژه‌های افراد دیگر نیز می‌تواند، در ایجاد ایده خلاقانه مثر ثمر باشد، به شرط اینکه فرد خود را محدود به آن‌ها نکرده و در کنار مطالعه آن‌ها به مطالعه کتاب‌ها و منابع مهم نیز بپردازد.



۹ تمرین خلاقیت نیز می‌تواند در پروراندن آن مؤثر باشد. در تمرین خلاقیت، ما می‌توانیم ۲۰ تا ۲۵ دقیقه زمان را در طی روز، برای فکر کردن به مسئله‌ای اختصاص دهیم. این مسئله می‌تواند مسئله کاری ما باشد یا مباحث یکی از دروس ما.



۱۰ علاوه بر عوامل یادشده ما می‌توانیم با قرار گرفتن در موقعیت‌هایی همچون؛ مسافرت، تماشای شبکه‌ها تلویزیونی، حضور مؤثر در فضاهاى مجازى، تعامل با افراد کارآزموده و اهل مطالعه و... کسب اطلاع نموده و در مسیر خلاقیت گام برداریم.



مقاله شماره ۳

را در سایت تیزلند ببینید!
اسکن کنید یا اینجا کلیک کنید!

کدام نوع ارزشیابی یادگیری پیشتری را دربر دارد؟

یکی از دغدغه‌های والدین در رابطه با

ارزشیابی این است که اساساً ارزشیابی

توصیفی مفیدتر است یا ارزشیابی سنتی که

در گذشته انجام می‌شد.



اساساً ارزشیابی کمی بهتر است یا ارزشیابی کیفی (توصیفی)؟ برای پاسخ به این سؤال به تفاوت‌های بین این دو نوع ارزشیابی پرداخته می‌شود.

تفاوت‌های بین ارزشیابی کیفی (توصیفی) و کمی

در هر فعالیت ارزشیابی دو اتفاق می‌افتد، یکی اینکه معلم در ابتدا اطلاعاتی را از دانش‌آموز جمع‌آوری می‌کند و یکی اینکه معلم بر اساس این اطلاعاتی که جمع‌آوری کرده، به قضاوت و داوری می‌پردازد. در ارزشیابی کمی که به شکل سنتی اجرا می‌شد، معلم از دو راه این اطلاعات را

ارزشیابی کمی و کیفی (توصیفی)

ارزشیابی کمی ارزشیابی‌ای است که در آن از کمیت و عدد استفاده می‌شود و این کمیت بین ۰ - ۲۰ هست. ارزشیابی کیفی (توصیفی) ارزشیابی‌ای است که در آن به جای کمیت، کیفیت مطرح است و بجای نمره در آن از مقیاس‌هایی مثل: درحد انتظار، نزدیک به انتظار، نیاز به تلاش و ... استفاده می‌شود. در گذشته نظام آموزش و پرورش کشور ما، از ارزشیابی کمی و سنتی استفاده می‌کرد، اما در سال‌های اخیر ارزشیابی به صورت کیفی (توصیفی) انجام می‌شود.

یکی از بحث‌ها و سوالاتی که در رابطه با ارزشیابی مطرح می‌شود، این است که

جمع‌آوری می‌کرد، یکی پرسش‌های کلاسی که همان درس پرسیدن از بچه‌ها در طول ترم بود و یکی امتحان پایان‌ترم (آزمونهای مداخله‌ای). معلم بر اساس این دو داوری می‌کرد و به دانش‌آموز نمره می‌داد، اما در ارزشیابی کیفی ابزار جمع‌آوری اطلاعات بسیار متنوع هستند و علاوه بر پرسش‌های کلاسی و امتحان پایان‌ترم از پوشه کار، آزمونهای عملکردی (عملی) و برگه ثبت مشاهدات (معلم برای هر دانش‌آموز یک برگه در نظر می‌گیرد و مشاهداتی که در طول ترم از بچه‌ها دارد را در آن برگه می‌نویسد) استفاده می‌شود که این موارد، فعالیت دانش‌آموزان را در برمی‌گیرد. براین اساس می‌توان گفت که ارزشیابی توصیفی تنوع بیشتری دارد و همین تنوع باعث می‌شود که معلم تمامی فعالیت‌ها را در نظر بگیرد و عادلانه‌تر قضاوت کند.

- ارزشیابی کمی بیشتر تکیه بر روی ضعف‌های دانش‌آموز دارد و کاستی‌ها را با نمره نشان می‌دهد. در صورتی که ارزشیابی کیفی به‌طور همه‌جانبه دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کند و توانایی‌هایشان را در کنار ضعف‌هایشان می‌سنجد.

- ارزشیابی کیفی فرصت جبران را به افراد می‌دهد. چون فعالیت‌های مختلف دانش‌آموزان را در طول ترم در برمی‌گیرد. در این صورت است که زمانی که دانش‌آموزان در یک فعالیت شکست خوردند، سعی

می‌کنند که در فعالیت دیگر آن را جبران کنند. این کار، انگیزه دانش‌آموزان را بالا می‌برد، در صورتی که ارزشیابی کمی بر روی پرسش و پاسخ در طول ترم و امتحان پایان‌ترم تمرکز دارد و شکست، احساس ناامیدی را برای دانش‌آموز به دنبال دارد.

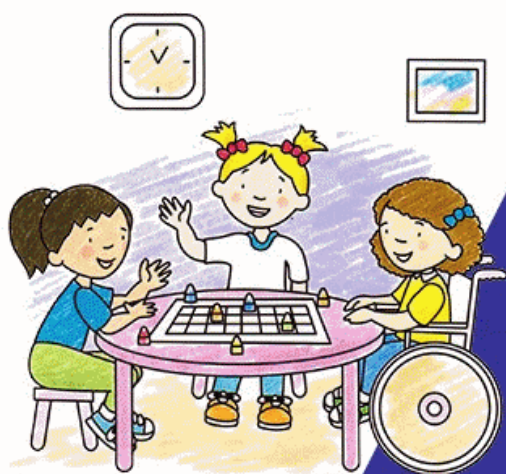
- ارزشیابی کمی این ویژگی را دارد که اطلاعات را به‌طور موقت در حافظه نگه می‌دارد، زیرا حجم زیاد اطلاعات را تحمیل می‌کند و عمده این اطلاعات را فرد از خاطر می‌برد، همان‌طور که دیدید وقتی ما از سر جلسه امتحان برمی‌گردیم، امکان دارد که این اطلاعاتی که داریم، نهایتاً تا سه روز داخل حافظه ما باشد و بعد از آن فراموش کنیم. اما در ارزشیابی کیفی دانش‌آموزان اطلاعات را در جریان بحث و فعالیت کلاسی یاد می‌گیرند و به‌خوبی می‌توانند آن‌ها را به یاد سپارند.

- ارزشیابی کمی زمینه‌ساز اضطراب زیادی است، چون بخش اعظم نمره وابسته به ارزشیابی‌ای است که در پایان‌ترم از دانش‌آموز گرفته می‌شود و دانش‌آموز به این باور می‌رسد که نتیجه یادگیری و کوشش او در یک ساعتی که امتحان می‌دهد، مشخص می‌شود. پس مرتب به خود می‌گوید که من باید در این یک ساعت امتحان گرفتن بهترین عملکرد را داشته باشم. اما ارزشیابی توصیفی، ارزشیابی‌ای است که در طول دوره انجام می‌شود و نمره‌اش بین بخش‌های

مختلف فعالیت‌های کلاسی تقسیم‌شده و دانش‌آموز دیگر از آزمون پایانی اضطراب ندارد.

- در ارزشیابی توصیفی، دانش‌آموز هدف آموزشی و تربیتی هست که اهمیت اصلی را دارد، براین اساس می‌توان گفت فضای کلاسی که ارزشیابی توصیفی در آن حاکم است، دانش‌آموز محور بوده و معلم در پی آن است که یک فضایی را ایجاد کند تا دانش‌آموز را به آن هدف اصلی نزدیک کند، اما در ارزشیابی کمی تأکید اصلی بر روی محتوا و آن چیزی است که در کتاب آمده و کلاس مربوط به این نوع ارزشیابی یک کلاس محتوا محور است و وظیفه معلم این است که این محتوا را به دانش‌آموزان منتقل می‌کند و وظیفه دانش‌آموزان این است که این محتوا را حفظ کنند و سر جلسه امتحان آن‌ها را روی کاغذ بیاورند.

- در ارزشیابی توصیفی دانش‌آموزان در طول‌ترم، در کلاس فعالیت می‌کنند و در طی این فعالیت‌ها برای آن‌ها سؤال پیش می‌آید که این سؤال پرسیدن روحیه پرسشگری را در آن‌ها تقویت می‌کند که داشتن این روحیه، باعث می‌شود قدرت تجزیه و تحلیل دانش‌آموزان بالا رود، اما ارزشیابی کمی به شکلی هست که دانش‌آموز تمرکزش بر روی این هست که همان متن اصلی کتاب را یاد بگیرد و همان‌ها در امتحان می‌آید. برای همین به خود زحمت این را نمی‌دهد که سؤال بپرسد و وابسته به کتاب و متن کتاب پرورش می‌یابد.



چگونه مهارت کودکان خود را افزایش بدیم؟



خرید

کتابم

کتابهای پرورش مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی در کودکان

www.ketabamkoo.ir

88996316-17



مرجعی برای همه دانش آموزان باهوش سرزمینمان، ایران 😊



www.tizland.ir